این سه عنصر همچنان در فیلم حضور دارند، اما وزن آنها یکسان نیست. در «استخر» کفه تأمل و اندوه کمی سنگین‌تر شده و طنز بیشتر از آنکه موتور اصلی خنداندن باشد، به ابزاری برای فاصله گرفتن از تلخی تبدیل شده است؛ همان خنده‌ای که گاهی آدم برای فرار از گریه به آن پناه می‌برد، نوستالژی هم صرفاً حسرت گذشته نیست. صحت معمولاً گذشته را در نسبت با اکنون قرار می‌دهد؛ اینکه چه چیزهایی از دست رفته، آدم‌ها چقدر تغییر کرده‌اند و چرا بازگشت به گذشته الزاماً به معنای بازگشت به خوشبختی نیست. از این منظر، نوستالژی در «استخر» بیشتر یک وضعیت ذهنی است تا عنصری تزئینی. تأملات فلسفی هم خوشبختانه عمدتاً از مسیر موقعیت و رفتار شخصیت‌ها شکل می‌گیرند، نه از طریق دیالوگ‌های گل‌درشت. فیلم بیشتر درباره تنهایی، گذر زمان، فقدان و معنای زیستن سؤال می‌کند تا اینکه بخواهد برای آنها پاسخ قطعی ارائه دهد.

○ مهم‌ترین نقطه قوت فیلم را در فیلمنامه می‌بینید یا اجرا؟ و ضعف اصلی آن چیست؟

به نظرم مهم‌ترین نقطه قوت «استخر» در فیلمنامه است؛ به‌خصوص در ایده و موقعیتی که برای مواجهه شخصیت‌ها با یکدیگر طراحی شده است. فیلم از یک موقعیت نسبتاً ساده، امکان ورود به لایه‌های عاطفی و انسانی مختلف را فراهم می‌کند و این همان جایی است که امضای سروش صحت دیده می‌شود؛ تبدیل یک موقعیت روزمره به بستری برای حرف زدن درباره آدم‌ها، روابط و تناقض‌های زندگی. در اجرا هم فیلم موفقیت‌هایی دارد، اما به اندازه ایده و فیلمنامه جسور نیست. میزانسن و بازی‌ها فضای انسانی و صمیمی فیلم را شکل می‌دهند، ولی فیلم در بعضی لحظات می‌توانست از نظر فرم، ریتم و نحوه مواجهه با موقعیت‌ها ریسک بیشتری بکند. مهم‌ترین ضعف را هم در همین نقطه می‌بینم؛ فیلمنامه در بعضی بخش‌ها بیش از اندازه به ایده خودش اعتماد می‌کند و نمی‌تواند آن را با همان قدرت تا انتها پیش ببرد. گاهی مضمون بر شخصیت غلبه می‌کند و فیلم به جای اینکه اجازه دهد معنا از دل رفتار و موقعیت بیرون بیاید، کمی بیش از حد آن را توضیح می‌دهد.

○ «استخر» تا چه اندازه توانسته شخصیت‌هایش را از تیپ‌سازی فراتر ببرد؟

به نظرم فیلم تا حد قابل قبولی در این زمینه موفق است، اما نه درباره همه شخصیت‌ها به یک اندازه. شخصیت‌ها در ابتدا ممکن است با ویژگی‌هایی آشنا معرفی شوند؛ آدم شوخ، تلخ، منزوی یا نوستالژیک. اما در ادامه ترک‌هایی در این تصویر اولیه ایجاد می‌شود و پشت این تیپ‌ها، انسان‌هایی آسیب‌پذیر و متناقض دیده می‌شوند. جذابیت بعضی شخصیت‌ها دقیقاً در همین تناقض‌هاست؛ اینکه چیزی می‌گویند اما چیز دیگری می‌خواهند یا در ظاهر رفتاری دارند که با مسئله درونی‌شان متفاوت است. با این حال، گاهی شخصیت‌ها بیشتر حامل مضمون‌اند تا موجوداتی کاملاً مستقل از مضمون. یعنی احساس می‌کنیم، فیلمنامه به آنها نیاز دارد تا درباره تنهایی، فقدان یا گذر زمان حرف بزنند. اگر فیلم در برخی شخصیت‌ها بیشتر مکث می‌کرد و گذشته و انگیزه‌هایشان را از دل کنش بیرون می‌کشید، احتمالاً با شخصیت‌های ماندگارتری روبه‌رو می‌شدیم. با وجود این، یکی از نقاط قوت فیلم این است که آدم‌هایش را قضاوت نمی‌کند؛ آنها را می‌بینند.

○ از نظر میزانسن، قاب‌بندی و زبان بصری، آیا صحت به بیان سینمایی مستقل‌تری رسیده است؟

«استخر» نسبت به آثار قبلی صحت یک قدم به سمت سینمایی‌تر شدن برداشته، اما هنوز نمی‌توان گفت او به زبان بصری کاملاً مستقل و تثبیت‌شده‌ای رسیده است. سینمای صحت در وهله نخست از فیلمنامه، شخصیت و موقعیت تغذیه می‌کند و فرم در آثارش معمولاً قرار نیست خودش را به رخ بکشد. با این حال، در «استخر» فضا، فاصله میان آدم‌ها و نحوه قرار گرفتن شخصیت‌ها در قاب گاهی بار عاطفی پیدا می‌کند. یعنی میزانسن صرفاً ابزار روایت نیست و به بخشی از روایت تبدیل می‌شود. به نظرم «استخر» بیشتر یک مرحله از مسیر شکل‌گیری زبان سینمایی صحت است تا نقطه رسیدن به آن. او هنوز بیشتر با «نگاه» خودش شناخته می‌شود تا با «فرم» خودش؛ اما همین تلاش برای تبدیل نگاه شخصی به زبان بصری، یکی از جذاب‌ترین وجوه فیلم است.

○ در نسبت با سینمای امروز ایران، «استخر» چه جایگاهی پیدا می‌کند؟ آیا می‌تواند جریان‌ساز باشد؟

به نظرم «استخر» بیشتر اثری شخصی است تا جریان‌ساز. فیلم نه از نظر فرم و نه مضمون، گسست بنیادینی ایجاد نمی‌کند که بتوان از تولد یک مسیر تازه در سینمای ایران سخن گفت. اما این به معنای کم‌اهمیت بودن آن نیست. در سینمای امروز ایران، «استخر» انتخاب می‌کند درباره آدم‌های معمولی و بحران‌های به ظاهر کوچک زندگی حرف بزند و از دل آنها به مسائلی مثل تنهایی، گذر زمان، فقدان و حسرت برسد. این نوع سینما شاید جریان تازه‌ای ایجاد نکند، اما می‌تواند نماینده یک سینمای انسانی و مؤلفانه باشد. در نهایت، «استخر» را باید بیشتر تکمیل یک صدا تا تولد یک صدای تازه دانست؛ فیلمی که جهان شخصی سروش صحت را تغییر نمی‌دهد، اما آن را عمیق‌تر و پخته‌تر می‌کند.

سید حسام فروزان
مترجم و منتقد سینما:

«استخر» تکرار یک جهان آشنا با ریسک‌هایی تازه

حسام فروزان، منتقد سینما، در گفت‌وگو با روزنامه صبا درباره جایگاه «استخر» در کارنامه سروش صحت، تکیه فیلم بر اتمسفر، کارکرد عنوان، پایان‌بندی، انتخاب بازیگران، مخاطب فیلم و نقاط قوت و ضعف آن گفت.

○ «استخر» چقدر توانسته جهان آشنای سروش صحت را گسترش دهد و چقدر در تکرار همان الگوهای کمدی و موقعیت‌های آثار قبلی او باقی مانده است؟

«استخر» را در ادامه جهان فیلم‌سازی و حتی سریال‌سازی سروش صحت و ایمان صفایی می‌دانم. بعد از «جهان با من برقص» و «صبحانه با زرافه‌ها» می‌توانیم بگوییم این فیلم شاید بخش دیگری از یک سه‌گانه باشد؛ چون همان نگاه به جهان هستی و همان نوع کمدی‌ای که سروش صحت در فیلم‌هایش دارد، اینجا هم ادامه پیدا می‌کند. اما از نظر کارنامه سروش صحت، گام رو به جلویی برای او نمی‌بینم. در «جهان با من برقص» و «صبحانه با زرافه‌ها» نوعی شگفتی و موقعیت طنز و کمدی موقعیتی وجود داشت که اینجا کمتر می‌بینیم. برای تماشاگری که با جهان سروش صحت و سریال‌هایی مثل «لیسانسه‌ها» و «مگه تموم عمر چند تا بهاره» و فیلم‌های قبلی او آشناست، بسیاری از موقعیت‌ها آشنا و تا حدی قابل پیش‌بینی هستند و آن طنز ناب و غافلگیرکننده فیلم‌های قبلی، در همه لحظات شکل نمی‌گیرد.

○ به نظر شما فیلم بیش از آنکه بر روایت متکی باشد، بر اتمسفر و حس‌وحال تکیه دارد؟

بله، فیلم مثل بیشتر کارهای سروش صحت بر اتمسفر و حال‌وهوا تکیه دارد. او فضایی می‌سازد که حتی از یک حرکت عادی یا یک دیالوگ معمولی بتوان حس طنز گرفت و موقعیت کمیک خلق کرد. اما فکر می‌کنم این ویژگی، بعد از چند فیلم و سریالی که ساخته، در «استخر» تبدیل به نقطه ضعف شده است. اگر با یک فیلم داستان‌گو و قصه‌ای جذاب روبه‌رو بودیم، این اتمسفر می‌توانست به خلق اثری متفاوت کمک کند. اما قصه «استخر» چندان پیچیده نیست و اتفاقاً خیلی معمولی است؛ یک زن و مرد بعد از ۲۵ سال می‌خواهند از هم جدا شوند و ما فرایند طلاق، بحران تنهایی و بی‌معنایی زندگی مرد را می‌بینیم. این قصه به خودی خود خیلی خاص نیست و اتمسفر آثار قبلی صحت را هم در فیلم می‌توانیم ببینیم.

○ عنوان «استخر» چه کارکردی در ساختار فیلم دارد؟ آیا صرفاً یک نام است یا به یک استعاره دراماتیک تبدیل می‌شود؟

عنوان «استخر» شاید به خودی خود عنوان خیلی خاص و جذابی نباشد و نمونه‌های مشابه آن را بارها در تاریخ سینما دیده‌ایم، اما در اینجا می‌توان برایش یک معنای استعاری و اشاره‌ای به جهان‌بینی فیلم پیدا کرد. شاید بتوان آن را به تعبیر سهراب سپهری و مفهوم «آبتنی در حوضچه اکنون» مرتبط دانست. با توجه به صحنه آبتنی در رودخانه که در واقع لذت بردن از لحظه را بازنمایی می‌کند و توصیه‌ای که پدر خانواده به این داماد دارد که «تو هم بیا آبتنی کن و از لحظه لذت ببر»، عنوان «استخر» می‌تواند کارکرد نمادین و دراماتیک پیدا کند؛ نوعی دعوت به دم را غنیمت شمردن و لذت بردن از لحظه‌های زندگی.

○ آیا پایان‌بندی فیلم را متناسب با مسیر روایت می‌دانید یا معتقدید می‌توانست تأثیرگذارتر باشد؟

به نظرم مسئله اصلی فیلم لزوماً پایان‌بندی نیست، بلکه مشکلی است که از ابتدا در شیوه دراماتیزه کردن بحران وجود دارد. «استخر» بحران را به اندازه کافی دراماتیزه و نمایشی نمی‌کند. بحرانی که در فیلم تصویر می‌شود، مدام درباره‌اش حرف زده می‌شود. به جای اینکه رفتار شخصیت‌ها، سکوت‌ها، انتخاب‌ها و موقعیت‌هایشان معنای بحران را برای ما بسازند، فیلم بیش از اندازه به دیالوگ و توضیح متکی است. آدم‌ها مدام درباره احساساتشان حرف می‌زنند و ما خیلی زود متوجه همه چیز درباره شخصیت‌ها، انگیزه‌ها و احساساتشان می‌شویم. در نتیجه، جای چندانی برای کشف باقی نمی‌ماند و همین موضوع کارکرد دراماتیک فیلم را تضعیف می‌کند.

○ اگر بخواهید مهم‌ترین ریسک سروش صحت در ساخت این فیلم را نام ببرید، آن را در چه می‌بینید؟

فکر می‌کنم مهم‌ترین ریسک سروش صحت در این فیلم، استفاده از بازیگران متفاوت بود. بازیگران آشنا و همیشگی جهان او، مثل هوتن شکیبا و بیژن بنفشه‌خواه، اینجا حضور ندارند و به جای آنها از دو ستاره شناخته‌شده، امین حیایی و سحر دولتشاهی، برای نقش‌های اصلی استفاده شده است؛ بازیگرانی که تا امروز در سینمای سروش صحت حضور نداشتند. اینکه این بازیگران بتوانند با جهان صحت همراه شوند، به نظرم ریسک قابل توجهی بود که تا حدودی ناموفق بوده است. به‌خصوص درباره سحر دولتشاهی احساس می‌کنم ارتباط او با فضای خاص، خل‌خلی و کمدی جفنگی که معمولاً در آثار سروش صحت وجود دارد، چندان شکل نگرفته است. امین حیایی تلاش بیشتری برای همراه شدن با این جهان دارد و به دلیل اینکه بازیگر بسیار خوبی است، توانسته نقش را بهتر پیش ببرد؛ البته تا حدی این نقش من را به یاد بازی او در «شعله‌ور» انداخت.

○ اگر قرار باشد «استخر» را با یک فیلم ایرانی یا خارجی مقایسه کنید، این مقایسه با چه اثری خواهد بود و چرا؟

چون سینمای سروش صحت سینمای خاصی است و خودش در این زمینه به نوعی صاحب امضا شده، شاید بهترین کار این باشد که در وهله اول «استخر» را با فیلم‌های خودش مقایسه کنیم. وقتی فیلم را دیدم، ناخودآگاه آن را با «جهان با من برقص» مقایسه کردم. آنجا هم موضوعاتی مثل مرگ و زندگی، دوستی، عشق، معنای زندگی در گذر زمان و فرسودگی روابط انسانی مطرح بود و یک جمع دور هم جمع شده بودند. بسیاری از این مضامین را اینجا هم می‌بینیم، اما «استخر» از نظر من عقب‌تر از «جهان با من برقص» می‌ایستد. از منظر موضوع جدایی و تمام شدن یک رابطه زناشویی، «داستان یک ازدواج» ساخته نوا بامبک هم می‌تواند تداعی‌کننده باشد. همچنین از نظر شخصیتی که ناگهان متوجه می‌شود زندگی‌اش آن‌طور که فکر می‌کرده پیش نرفته و در بسیاری از زمینه‌ها شکست خورده است، می‌توان آن را با «درباره اشمیت» ساخته الکساندر پین مقایسه کرد.

○ به نظر شما این فیلم بیشتر مخاطب عام را هدف قرار داده یا مخاطب جدی سینما را؟

سینمای سروش صحت به نوعی سینمای نخبگراست و از جنس طنزهای مبتذل و بی‌مایه یا کمدی‌های زرد نیست، اما در عین حال نشانه‌های اقبال مخاطب عام را هم دارد. هم فیلم‌های او از بازیگران مشهور بهره می‌برند و هم تماشاگران سابقه خوبی از او در ذهن دارند. بنابراین می‌توان گفت «استخر» می‌تواند هر دو طیف را جذب کند؛ هم مخاطب عام و هم مخاطبی که سروش صحت و آثارش را می‌شناسد. فکر نمی‌کنم از این نظر مشکلی داشته باشد و به همین دلیل احتمالاً فیلم در گیشه هم موفق خواهد بود.

○ اگر بخواهید یک نقد جدی و یک نقطه قوت ماندگار برای «استخر» نام ببرید، چه می‌گویید؟

مهم‌ترین نقد من این است که فیلم بحران را به‌جای اینکه در رفتار و موقعیت شخصیت‌ها نشان دهد، بیشتر درباره آن حرف می‌زند؛ به همین دلیل شخصیت‌ها همیشه باورپذیر نیستند و لحظات تلخ هم فرصت کافی برای عمق پیدا نمی‌کنند. در مقابل، نقطه قوت فیلم نگاه مهربانانه سروش صحت به آدم‌های معمولی، شکست‌خورده و آسیب‌دیده است. او به‌جای قضاوت این آدم‌ها، تلاش می‌کند دلیل شکست‌ها و بن‌بست‌هایشان را بفهمد؛ نگاهی که به جهان‌بینی آثار قبلی او هم نزدیک است. همچنین فیلم با فاصله گرفتن از سانتی‌مانتالیسم و استفاده از طنز، اجازه نمی‌دهد موقعیت‌های تلخ به یک ملودرام آبکی تبدیل شوند.

○ در نهایت، فکر می‌کنید «استخر» پس از گذشت زمان همچنان قابلیت بازخوانی خواهد داشت یا ارزش آن بیشتر به زمان اکرانش وابسته است؟

فکر می‌کنم فیلم در گذر زمان همچنان دیده خواهد شد و به هر حال اثری است که در کارنامه سروش صحت و ایمان صفایی جای خودش را پیدا می‌کند. نمی‌توان انتظار داشت فیلمسازها همیشه شاهکار بسازند یا کارنامه‌شان دائماً یک روند صعودی داشته باشد؛ به هر حال در کارنامه هر فیلمسازی نوسان وجود دارد. من به عنوان علاقه‌مند سینمای سروش صحت، بعد از «صبحانه با زرافه‌ها» انتظار بیشتری داشتم و «استخر» را دستاورد بزرگی برای او نمی‌دانم. بیشتر با تکرار همان مضامین قبلی مواجهیم. با این حال، همچنان جهان متفاوتی که این فیلمساز ساخته و نوع کمدی‌ای که می‌تواند در دل لحظات عادی خلق کند و از یک موقعیت معمولی، یک موقعیت کمیک متفاوت بسازد، برای من ارزشمند است و همچنان منتظر فیلم بعدی این تیم خواهم بود.